

هیچ دانشگاه ایرانی

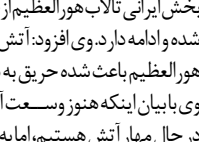
در رتبه‌بندی تایمز ۲۰۲۶ حضور ندارد



در رتبه‌بندی تأثیر گذاری و پایداری دانشگاه‌های جهان در سال ۲۰۲۶ نام هیچ دانشگاهی از ایران دیده نمی‌شود؛ این در حالی است که در فهرست سال ۲۰۲۵ دانشگاه ایرانی حضور داشتند. تایمز امسال نحوه‌مشارکت در این رتبه‌بندی را تغییر داده و آن را به‌ضویت دانشگاه‌ها در شبکه پایداری و ارائه اطلاعات از سوی خودموسسات مشروط کرده‌است. برخی رسانه‌ها این رویداد را باعنوان «حذف ایران» پوشش داده‌اند؛ تعبیری که اقدامی هدفمند یا تنبیهی را نداعی می‌کند، در حالی که هنوز مشخص نیست نبودن دانشگاه‌های ایرانی ناشی از تصمیم تایمز بوده یا شرکت نکردن آنها در سلاز کار تازه رتبه‌بندی. رتبه‌بندی‌های موسسه تایمز از شناخته‌شده‌ترین و پرمرایجه‌ترین نظام‌های ارزیابی دانشگاه‌ها در جهان است و نتایج آن می‌تواند بر اعتبار بین‌المللی، جذب دانشجوی همکاری‌های علمی دانشگاه‌ها اثر بگذارد.

تداوم آتش سوزی در تالاب هوراالعظیم

مدیر کل حفاظت محیط زیست خوزستان از تداوم آتش‌سوزی در بخش ایرانی تالاب هور العظیم خبر داد. به گزارش ایسنا، محمدجواد اشرفی، گفت: آتش سوزی در بخش ایرانی تالاب هور العظیم از ظهر روز سه‌شنبه ۶ مردادماه شروع شده و ادامه دارد. وی افزود: آتش سوزی در مخزن شماره یک تالاب هور العظیم باعث شده حریق به سمت دایک مرزی کشیده شود. وی با بیان اینکه هنوز وسعت آتش سوزی مشخص نیست، افزود: در حال مهار آتش هستیم، اما به دلیل وزش باد، آتش در نقاط دیگر شعله‌ور می‌شود. اشرفی با بیان اینکه این آتش سوزی منجر به ورود دود به شهرهای خوزستان نمی‌شود، اضافه کرد: احتمالاً علت این آتش سوزی عامل انسانی بوده است، اما بی این بخش تالاب نیز آتش سوزی را تشدید کرده‌است.



رقابت «پاستا آلفردو» در اروگوئه

شانزدهمین دوره جشنواره فنانسپس اروگوئه مقصد بعدی رقابت برای فیلم کوتاه «پاستا آلفردو» به نویسندگی و کارگردانی لیلا نوعی خواهد بود. به گزارش مشاور رسانه‌ای



پروژه فیلم کوتاه «پاستا آلفردو» به نویسندگی و کارگردانی لیلا نوعی و تهیه‌کنندگی سیدر هام، سولی در ادامه حضور جهانی کوبه عنوان تنها فیلم کوتاه ایرانی در شانزدهمین دوره جشنواره فنانسپس اروگوئه حضور خواهد داشت. شانزدهمین دوره جشنواره فنانسپس اروگوئه ۱۶ تا ۲۲ شهریور ماه برابر با ۷ تا ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶ در شهر مونتئویدئو اروگوئه برگزار می‌شود. «پاستا آلفردو» در کنار ۴۳ فیلم کوتاه دیگر در بخش دانشجویی این رویداد به رقابت خواهد پرداخت. در خلاصه داستان فیلم آمده است: «تیلوفر، دختری ۱۴ ساله است که تلاش می‌کند برای گزاری جشن تولد برای گرباش و یختن پاستا، لحظاتی گرمابه فضای سرد خانه بیابورد…»

نجات یک خانه تاریخی از دست موربانه‌ها

عملیات حفاظت بلندمدت از خانه تاریخی متقی، از بناهای ثبت‌شده شهرستان اردکان، با اجرای طرح کنترل و مقابله با موربانه‌های بومی فلات مرکزی ایران و با همکاری پایگاه میراث فرهنگی بافت تاریخی اردکان، به‌منظور جلوگیری از گسترش آسیب و حفظ اصالت این بنای ارزشمند انجام شد. به گزارش وزارت میراث فرهنگی و گردشگری، خانه تاریخی متقی، از بناهای ارزشمند و ثبت‌شده شهرستان اردکان، به‌همت باوربومی فاطمه‌شاکر اردکانی، مالک این خانه تاریخی، همچنان اصالت معماری و جریان زندگی سنتی خود را حفظ کرده است. در پی گزارش بروز آسیب‌های شدید ناشی از فعالیت موربانه در این بنا و با پیگیری پایگاه میراث فرهنگی بافت تاریخی اردکان، کارشناسان واحد تحقیقات و کنترل عوامل بیولوژیک بررسی‌های اولیه، التعماد داند، باتوجه به سکونت برای ساکنان استفاده شد تا ضمن حفاظت مؤثر از بنا سلامت افراد نیز به‌طور کامل حفظ شود.

اکستر سمفونیک تهران

از خانه تاریخی متقی، از بناهای ثبت‌شده شهرستان اردکان، با اجرای طرح کنترل و مقابله با موربانه‌های بومی فلات مرکزی ایران و با همکاری پایگاه میراث فرهنگی بافت تاریخی اردکان، به‌منظور جلوگیری از گسترش آسیب و حفظ اصالت این بنای ارزشمند انجام شد. به گزارش وزارت میراث فرهنگی و گردشگری، خانه تاریخی متقی، از بناهای ارزشمند و ثبت‌شده شهرستان اردکان، به‌همت باوربومی فاطمه‌شاکر اردکانی، مالک این خانه تاریخی، همچنان اصالت معماری و جریان زندگی سنتی خود را حفظ کرده است. در پی گزارش بروز آسیب‌های شدید ناشی از فعالیت موربانه در این بنا و با پیگیری پایگاه میراث فرهنگی بافت تاریخی اردکان، کارشناسان واحد تحقیقات و کنترل عوامل بیولوژیک بررسی‌های اولیه، التعماد داند، باتوجه به سکونت برای ساکنان استفاده شد تا ضمن حفاظت مؤثر از بنا سلامت افراد نیز به‌طور کامل حفظ شود.

«خسوف» را روی صحنه می‌برد

از کستر سمفونیک تهران در تازه‌ترین اجرای خود، «خسوف» ساخته‌محمدسعید شریفیان را با رهبری میهمان ارش امینی و همراهی گروه کر به رهبری بهرنگ شگرف کار، طی دو شب در تالار وحدت اجرا می‌کند. به گزارش روابط عمومی بنیاد رودکی، از کستر سمفونیک تهران ۱۵ و ۱۶ مردادماه ۱۴۰۵ ساعت ۲۱:۳۰ با اجرای اثر «خسوف» در تالار وحدت روی صحنه می‌رود؛ اثری شاخص در موسیقی سمفونیک معاصر ایران که با الهام از واقعه عاشورا و حماسه کربلا خلق شده و از برجسته‌ترین نمونه‌های موسیقی عاشورایی در حوزه موسیقی ارکسترال ایران به‌شمار می‌رود.

اصفهان؛ میزبان چهارمین رویداد گردشگری سلامت کشورهای عضو اکو

معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از انتخاب شهر اصفهان به عنوان میزبان چهارمین رویداد، کنفرانس و نمایشگاه گردشگری سلامت کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اگو) خبر داد و گفت: این انتخاب در پی ارزیابی تخصصی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های شهرهای نامزد، با اجماع اعضای شورای اهربری گردشگری سلامت کشور صورت گرفت. به گزارش وزارت میراث فرهنگی و صنایع دستی، بندپی افزود: با جمع‌بندی نظرات کارشناسی اعضای شورای اهربری گردشگری سلامت کشور، شهر اصفهان با توجه به ظرفیت‌های ممتاز، توانمندی‌های اجرایی و برنامه‌های ارائه‌شده، به عنوان میزبان چهارمین رویداد، کنفرانس و نمایشگاه گردشگری سلامت کشورهای عضو اگو انتخاب شد.



درباره نمایش «فراموشخانه» سهاب مجبعلی

تمنای دشوار درام تاریخی

محمدحسن خدایی

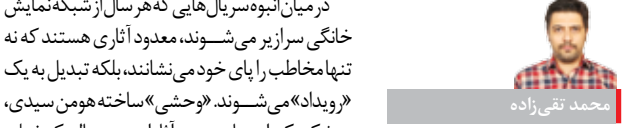
دوران فجری برای بسیاری از درام‌نویسان وطنی، و سوسه‌ای است همیشگی که بار دیگر سودای اتصال با امر تاریخی را ممکن کند و گوشه‌ای از گذشته

این ملک و مملکت را به میجانی یک روایت پررمز و زار تماشایی، عینیت بخشیده و حرف خود را از طریق وصل شدن به دوران ماضی، در لفافه‌ی زیندوچندان که باید گرفتار ممیزی و محدودیت نشوند.

سلسله قاجار به با تمامی دستاوردها و شکست‌هایش، فاصله‌ای امن با اینجنا و اکنون مادر دوسر و کله‌زدن با شخصیت‌های فجری، چندان حساسیت بر نمی‌انگیزد؛ پس به راحتی می‌توان به نقد ساختارهای قدرت در ایران پرداخت و قاجار به راستمسکاین قضیه کرد. اما آیا تمامی دوران‌های تاریخی این امکان را به هنرمندان می‌بخشند که

پرده نقره‌ای

نگاهی به نقاط ضعف و قوت یکی از بهترین سریال‌های نمایش خانگی ایران:



زود، خود را در کنار غول‌هایی مثل «شهرزاد» فصل یک، «خرم کار» فصل اول و «پوست شیر» جا داده به یکی از پنج سریال پر بیننده‌ترین وی‌اودی‌های یک سال اخیر تبدیل شد و اما این حجم عظیم، از بیننده‌ی موج‌ی سابقه‌ی ویرال شدن سکانس‌های این سریال در شبکه‌های اجتماعی، از کج‌انشتات می‌گیرد؟ آیا با یک شاهکار بی نقص سینمایی روبه‌رو هستیم یا با ملمعه‌ای از کلیشه‌های جذاب که در فصل دوم از هر قوم می‌باشد؟ به عنوان یک نگارنده و منتقد که روند این سریال را از نخستین قبال‌های تارک معدن تا سکانس‌های پایانی بر حاشیه‌اش دنبال کرده‌ام، معتقدم «وحشی» یک «متن مرگزی» و یک نمونه‌ی مطالعاتی در خشان برای درکِ فرمولِ موفقیت و در عین حال، آسیب‌شناسی سریال‌سازی در ایران است.

بخش اول: زیبایی‌شناسی تباهی (نقاط قوت و از تسخیر مخاطب)

پیش از آنکه تیغ نقد را بر پیکره‌ی فصل دوم و حرف‌های فیلم‌نامه بکشیم، باید به این پرسش پاسخ دهیم: چرا «وحشی» تا این حد دیده شد؟ پاسخ را نباید در بی‌نقص بودن اثر، بلکه در «هوشمندی مهندسی تعلیق» و درک فیلم‌ساز از روان‌شناسی توده‌ها جستجو کرد.

۱. جواد عزتی و سمفونی ویرانی یک انسان معمولی

موتور محرک‌ی سریال و شاید بزرگ‌ترین دلیل پر بیننده شدن آن، حضور بلا منازع جواد عزتی در نقش «داوود داشرف» است. عزتی در اینجا صرفاً بازی نمی‌کند؛ او مفهوم «مردانگی» آموخته‌شده را زندگی می‌کند. داوود در فصل اول، نه یک قهرمان کارز با متاک است و نه یک شرور با لفظه «او کار گری است سلا»، صلح‌جو و به شدت معمولی که در چرخه‌ی خدای جبر محیطی نابرابری‌های بی‌رحمانه‌ی اجتماعی و یک سیستم قضایی انعطاف‌ناپذیر خرد می‌شود. مخاطب ایرانی که خود روزمره با فشارهای اقتصادی و ساختاری دستوپنجه نرم می‌کند، در چشمان خسته و مستأصل داوود، بازتابی از رنج‌های خود را می‌بیند. عزتی با کنترل دقیق احساسات، بازی مینی مال و انتقال آسوپ درونی از طریق میمیک‌های ریز و تنفس‌های بریده، توانست سمپاتی عظیمی ایجاد کند. تبدیل شدن او از یک انسان اخلاق مدار به موجودی خشن، در فصل اول، به قدری اثرگذار و گانگ‌باور پذیر طرأحی شده که تماشاگر، با وجود آگاهی از اعمال مجرمانه‌ی او، همچنان در داد گناه‌ذهن خویش، داوود را تبرئه می‌کرد.

۲. فالیمس سیدی: خفقان در قبال‌های بسته

هومن سیدی در کارگردانی «وحشی»، استانداردهای بصری نمایش خانگی را چند پله ارتقا داده است. استفاده از نورپردازی‌های سایه‌دار (کیاروسکورو)، کادر بندی‌های تنگ و خفقان آور، و انتخاب هوشمندانه‌ی لوکیشن‌ها (مانند آتمسفر گرم و آزاردهنده‌ی معدن که استعاره‌ای از درون تارک و سرکوب‌شده‌ی قهرمان است) همگی در خدمت انتقال فشار روانی به مخاطب هستند. حذف تیتراژ ابتدایی، شروع طولانی با اعتراض کارگران و کات‌های ناگهانی نشان از جسارت فرمی فیلم‌ساز دارند. زبان بصری منسجم به مخاطب القامی‌کند که در حال تماشای اثری با مختصات سینمایی جهانی است.

۳. قلاب تعلیق و تغییر زاثر گانگب

فصل اول، با یک شروع دلهره‌آور اجتماعی آغاز می‌شود اما به شکلی فاگلگیر کننده و بار یتمی تند، به یک تریلر جنایی و معمایی شیفت می‌کند. سیدی به جای اتکاب دیالوگ‌های طولانی و شعارزده، اطلاعات را فطره چکانی به بیننده می‌دهد. پایان بندی ملتهب فصل اول، با آن فریاد در خشان داوود روی تخت بیمارستان و مراسم خاکسپاری، همچون پیکتی بر ذهن تماشاگر فرود آمد و او را برای فصل دوم تشنه نگه داشت. همین پایان بندی مپیوب که در کورد تماشای سریال را در شبکه‌های اجتماعی ووی‌اودی هاجله‌جا کرد.

بخش دوم: سقوط در ورطه‌ی تکرار (نقاط ضعف و گسست منطق روایی)

با وجود تمام دستاوردهای فصل اول، «وحشی» در فصل دوم آن رفق و جذابیت سیزن نخست را ندارد هر چند که فضا سازی بسیار در خشانی در خلق موقعیت‌های دلهره‌آور میکند که در تاریخ سریال سازی ایران بدیع است. اگر بخواهیم با نگاهی فرمال و محتوایی به این سقوط بپردازیم، ضعف‌های سریال را می‌توان در چند سر فصل اساسی کالبدشکافی کرد.

ملاحظات ای رامی طلبد که دشوار می‌نماید.

پس وقتی به تماشای نمایش فراموشخانه سهاب مجبعلی می‌نشینیم و با جهان پیشنهادی شیده غفار یان در مقام نمایش‌نامه‌نویس مواجه می‌شویم، چرایی انتخاب این دوره تاریخی مطرح می‌شود وقتی که این حوادث هم اکنون می‌تواند اتفاق بیافتند.

از یاد نبریم که این روزها نوشتن از دوران قاجار به در تناثر، به امری پیش‌بینی پذیر بدل شده است. آن هم با عنایت به آثاری که به این دوره پرداخته و ذهنیت ما را سامان داده‌اند. با همان الگوهای تکرار شونده‌ای که این دوره را به یک خاندان سلطنتی در حال زوال تقلیل می‌دهد و قاطبه مردم عادی را کنار می‌گذارد.

به نمایش‌نامه‌های پرشت که مراجعه کنیم انبوه مردمان کوچ و بازار را مشاهده می‌کنیم که مشغول کشش و واکنش در نسبت با ساختارهای سیاسی جامعه‌اند. اما شور و یختانه در اغلب درام‌های فجری نویسندگان وطنی، همه چیز بر مدار شازده وزیر دستان اش بنیان می‌یابد. درام‌هایی که مفاهیمی چون اختگی، خشونت و تروزی و سواستفاده از قدرت، در کنار روابط مبتنی بر فساد زیر دستان در مواجهه با دستورات ناعادلانه فرار دستان را با زتاب می‌دهند. آن هم در غیاب مردم کوچ و بازار.

شده غفار یان کمپلیش در همان مسیری حرکت می‌کند که در این چند دهه از درام تاریخی دوران فجری شاهد بودیم. او روانی‌تبار تاریخی می‌سازد با یک خاندان فجری که به زعامت شازده نبیل، زنان را به اسارت می‌گیرد تا تروماهای زندگی‌اش را از طریق اتصال اندام‌های زانی که به قتل می‌رساند، علاج کند. رویکردی خشونت‌بار برای بازگشت مادری که سال‌ها می‌شود مرده است. یک ایده فرارکتشانی که به ایده شر کشوده می‌شود و مکانیسم‌های سرکوب را در قبال زنان شازده بکار می‌دند.

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را

نفی کرده جهانی تازه را طلب می‌کند.

اما چرا فراموشخانه را نمی‌توان یک درام تاریخی تمام عیار دانست؟ پاسخ را با توجه به نکاتی که لو کاج در زمان تاریخی بیان می‌کند می‌توان جستجو کرد. لو کاج اعتقاد دارد یک درام خوب تاریخی، دیالکتیک عام و خاص را بی‌وقفه مدنظر داشته و به مفهوم «حمایت» اهتمام می‌ورزد. تمامیتی که یک دوره تاریخی را از ساحت مختلف بازتاب می‌دهد و فهمی از کلیت یک عصر را در ذهن حک می‌کند. امر اجتماعی، امر سیاسی، زیبایی‌شناسی یک دوره، در کنار امر تاریخی و علمی.

نمایش فراموشخانه با آن که اشاراتی به شیوه تولید مادی این خاندان می‌کند و فی المثل از پرورش زالمی گوید اما همچنان بیش از اندازه در خودمانده و ذهنی باقی می‌ماند و معلوم نمی‌کند شیوه غالب این دوره چیست. جهان‌وهمی که در طول نمایش به مخاطبان انتقال می‌یابد، عینیت اجتماعی را تا حدود زیادی به محاق برده و معلوم نمی‌دارد این خاندان عجیب، چه نسبتی با کلیت دوران فجری دارند. این که اشارات کوتاهی به این مسئله می‌شود نمی‌تواند کافی باشد و نتیجه این نقصان، نمایشی است از یک دوره تاریخی بی‌آن که خبری از امر تاریخی باشد.

سهاب مجبعلی در مقام کارگردان بعد از اجراهایی چون «لوبو تومی»، «رهنامی جامع هیولاشدن»، «هوشمرگ» و «آتورا»، این بار به فضای ایرانی رجوع کرده و توانسته اجرایی انضمامی را اتسارک ببیند که تغییر قابل توجهی در کارنامه هنری او محسوب می‌شود. اما به نظر می‌آید در فرایند تولید، اندکی شتاب باعث شده، بعضی صحنه‌های نمایش‌نامه، در مرحله اجرا، بیش از اندازه

فشرده شود و فهم مناسبات شخصیت‌ها را برای تماشاگران سالن حافظ، دچار نوسان کند. از قضایا این قبیل فضاهای پر رمز و راز که در مناطق دور افتاده از شهر اتفاق می‌افتد، به سکوت و طمانینه فرایندهای احتیاج دارد تا حقیقت صحنه خود را به تدریج آشکار کند.

اجرای فراموشخانه اگر با هستگی مسیر پیش روی خود را طی کند، موفق تر عمل کرده و رضایت تماشاگران را بیش از این جلب خواهد کرد. در این بین، به نظر می‌آید طراحی صحنه نمایش، با آن ایستایی بیش از اندازه‌اش، اشیایی چون میز اداری، صندلی و وان حمام را از ابتدا تا انتهای نمایش در یک نقطه ثابت نگه می‌دارد تا تخیل مخاطبان بسسته بماند. نتیجه این انتخاب‌های بحث‌برانگیز، در محاصل اجرا

اجرای فراموشخانه اگر با هستگی مسیر پیش روی خود را طی کند، موفق تر عمل کرده و رضایت تماشاگران را بیش از این جلب خواهد کرد. در این بین، به نظر می‌آید طراحی صحنه نمایش، با آن ایستایی بیش از اندازه‌اش، اشیایی چون میز اداری، صندلی و وان حمام را از ابتدا تا انتهای نمایش در یک نقطه ثابت نگه می‌دارد تا تخیل مخاطبان بسسته بماند. نتیجه این انتخاب‌های بحث‌برانگیز، در محاصل اجرا

اجرای فراموشخانه اگر با هستگی مسیر پیش روی خود را طی کند، موفق تر عمل کرده و رضایت تماشاگران را بیش از این جلب خواهد کرد. در این بین، به نظر می‌آید طراحی صحنه نمایش، با آن ایستایی بیش از اندازه‌اش، اشیایی چون میز اداری، صندلی و وان حمام را از ابتدا تا انتهای نمایش در یک نقطه ثابت نگه می‌دارد تا تخیل مخاطبان بسسته بماند. نتیجه این انتخاب‌های بحث‌برانگیز، در محاصل اجرا

۵. خشونت الصاقی به جای عمق فلسفی

در فصل دوم، خشونت از یک ابزار روایی برای نشان دادن خشونت ساختاری جامعه، به یک هدف تبدیل می‌شود. فیلم‌ساز به وضوح مرز میان نمایش واقعیت خشن و «مانتیزه کردن خشونت» را گم می‌کند. به نظر می‌رسد هومن سیدی به جای پرداختن به ریشه‌های روان شناختی سقوط داوود، به نمایش عریان درگیری‌ها و فضاهای تاریک علاقمند شده است. این رویکرد، دهشتن مرکزی داستان را که نقدی عدالتی و ناکارآمدی سیستم‌ها بود، کم‌رنگ کرده و اثر را به یک ویترنی بصری از سیاهی محض تبدیل می‌کند.

۶. پایان بندی نصفه ونیمه؛ فرار از پاسخ گویی

شاید تیر خلاص بر پیکر سریال، نخودی جمع‌بندی آن در قسمت آخر فصل دوم باشد. پرسش فلسفی و جامعه‌شناختی بزرگی که در طول سریال مطرح شد این بود: «یا جبر محیطی به تنهایی می‌تواند از یک انسان پاک، یک هیولای وحشی بسازد؟» تماشاگر انتظار داشت در پایان، نقابلی عمیق میان «قانون» و «اخلاق فردی» و «فشار طبقاتی» انتظار گره باشد. اما فیلم‌نامه در نهایت، با یک رویکرد تقلیل گرانه، تمام تقصیر را به گردن «انتخاب‌های آگاهانه برای فرار از مسئولیت» می‌اندازد. این چرخش ناگهانی موضع اخلاقی سریال، به همدار با هراکلرین چندین خردمند و تیر گره‌های ناآشوده، پایان بندی را تجربه‌ای ابتز و نارضایت بخش تبدیل کرد.

کلام آخر: تراز دی یک موفقیت زود هنگام

در نهایت، سریال «وحشی» که نشانی بسیار جذاب و قابل مطالعه‌ای در سینما و شبکه‌ی نمایش خانگی ایران است، اثری که توانی می‌دهد چگونه یک «جری قدرتمند» می‌تواند یک «متن ضعیف» و انجات دهد و آن را به پر بیننده ترین تر سال تبدیل کند.

«وحشی» از همان قسمت اول، در بخشی قصه، شخصیت پردازی و منطق روایی می‌لنگید. اما در فصل اول، تازگی فضا، قالب بندی‌های چشم‌نواز هومن سیدی و مهم تر از همه، حضور خیره کننده‌ی جواد عزتی، چشم ما را بر روی این ضعف با بست. در فصل دوم، مایه که آن تازگی اولیه از بین رفت و قصه نیاز به عمق بیشتری داشت، ضعف متون و شخصیت پردازی‌های سطحی خودشان را با شدت بیشتری نشان دادند و قدرت باز یگران نیز دیگر نتوانست این بار کج را به منزل برساند.

«وحشی» ثابت کرد که مخاطب ایرانی به شدت تشنه‌ی تماشای تصاویر با کیفیت، فرم سینمایی و بازی‌های در خشان است و اگر اثری این عناصر را در بالاترین سطح ارائه دهد، می‌تواند حتی با یک فیلم‌نامه‌ی پر از ایراد، تامت‌ها در صدر لیست پر بیننده ترین‌ها باقی بماند.

اما برای ماندگار شدن در تاریخ سینما و تلویزیون، زیبایی تصویر هرگز نمی‌تواند جای خالی قصه‌ی استخوان دار و شخصیت‌های عمیق را پر کند.

نمایان شده‌است، به عبارت دیگر، متن نمایش‌نامه ظرفیت‌های خوبی را پیش‌نهاده می‌دهد که شیوه اجرایی نمی‌تواند آن‌ها را عملیاتی کند.

اما بسا تمامی این نکات ذکر شده، فراموشخانه قدیمی است رو به جلو برای این کارگردان تجربه‌گر از یسازد نبریم که تمایل سهاب مجبعلی به عنوان نویسنده و کارگردان، در تلفیق فضای ذهنی شخصیت‌ها با بینند تئذگی روزمره غالب به خلق آثاری اکسپرسیونیستی منتهی می‌شد. به بیش از آن که بیان‌گر باشد روایت گر بود. اما در اجرای فراموشخانه، تلاش شده این مرز بندی امر ذهنی و امسر عینی به تمامی مخدوش نشود تا هر دو فضا را دست نرود.

به نظر می‌آید مجبعلی همچنان در رویکرد اکسپرسیونیستی خویش ثابت قدم باشد اما نکته اینجاست که او هنوز توان عبور از مرزهایی که برای خود ترسیم کرده را ندارد. یک اکسپرسیونیسم ته‌اجمی که علیه واقعیت مسلط اجتماع‌شورش کند و همچون مائین جنکی، علیه‌امور تثبیت‌شده روزمره وارد عمل شود حلقه گمشده‌ای است که این کارگردان می‌تواند در پی آن باشد.

بازیگرانی چون علی حسینی، آیلار نوشهری، امیرعلی زامیان، آرمین افتخارزاده، کلیم سلطانی، زهر انادری، پرنیاسگری، کهنوش امیری، مهلا رحمان پور، سارا رضایی، آیدنا نوروزی، علیرضا پرتوی، امیرحسین لاری، امین ناظر فرد، ساجده باقری، غزل حاجی، نور حسینیور، فاطمه جلازاده و خنا پردانی در این پروژه تئاتری مشارکت داشته و تلاش دارند در خدمت سیاست‌های اجرایی کارگردان باشند.

این اجرا ترکیبی است از بازیگران حرفه‌ای و آماتور. به نظر می‌آید آماتورها حضور پر حرف و حدیث دارند. همان ارواحی که گاهی سرو کله‌شان پیدا می‌شود و وقار است فضای وهمناک این عمارت به سکوت و طمانینه فرایندهای احتیاج قدیمی را تهنات دهند. در این مسیر چندان موفق عمل نمی‌کنند.

در نهایت می‌توان گفت اجرای فراموشخانه همچون کشتی غول پیکری است که بی‌انیمیی از توان موتورهای اقیانوس بیعالمی دل‌به‌به یازده و یان که شستابناک به پیش می‌رود شعاع حرکت محدود بوده است. این کشتی همچنان تا یافتن مسیر درست، گرفتار امواج سهمگین ویرانگر خواهد بود. اما آیا کشتی بان امواج را تاب خواهد آورد و در میانه راه، سکان را نخواهد کرد؟ باید ماند و تماشا کرد.



اما مشکل اصلی، الگوبرداری از این شاهکار نیست؛ مشکل اینجاست که فیلم‌ساز، این عناصر را بدون بومی‌سازی عمیق فرهنگی و روانی، به هم چسبیده است. برخی منتقدان به درستی اشاره کرده‌اند که سیدی، آتمسفر جنایی آثار محمدحسین مهدویان، فرم اجتماعی اصغر فرهادی (که حتی شروع سریال را با فیلم قهرمان میانه می‌کند) و فضاسازی نئونوار را ترکیب کرده که در جهان «وحشی» را بسازد. حتی موتیف‌هایی چون خشونت طبقاتی، انسان‌ها، حاشیه‌نشین و فضاهای چرک و صنعتی، تکرار مکررات جهان بصری خود سیدی در فیلم «مغزهای کوچک زنگ‌ده» است. این حجم از وام‌گیری، سریال را از اصالت تهی کرده و در فصل دوم، آن را به یک کالژ سینمایی تقلیل می‌دهد تا یک اثر مؤلف.

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را

صد البته شیده غفار یان از یاد نمی‌برد که در مقابل قدرت قاهره زورمندان، مقاومت مدحوفان شکل حاصل گرفت و در این عمارت در خال ویرانی، زنان با تخیل‌ورزی رادیکال شان، علیه مکر قدرت وارد عمل شده و واقعیت ملال انگیز زندگی روزمره را